

دهه نود

پایان عصر مردسالاری

در ایران



علیرضا صرافى *

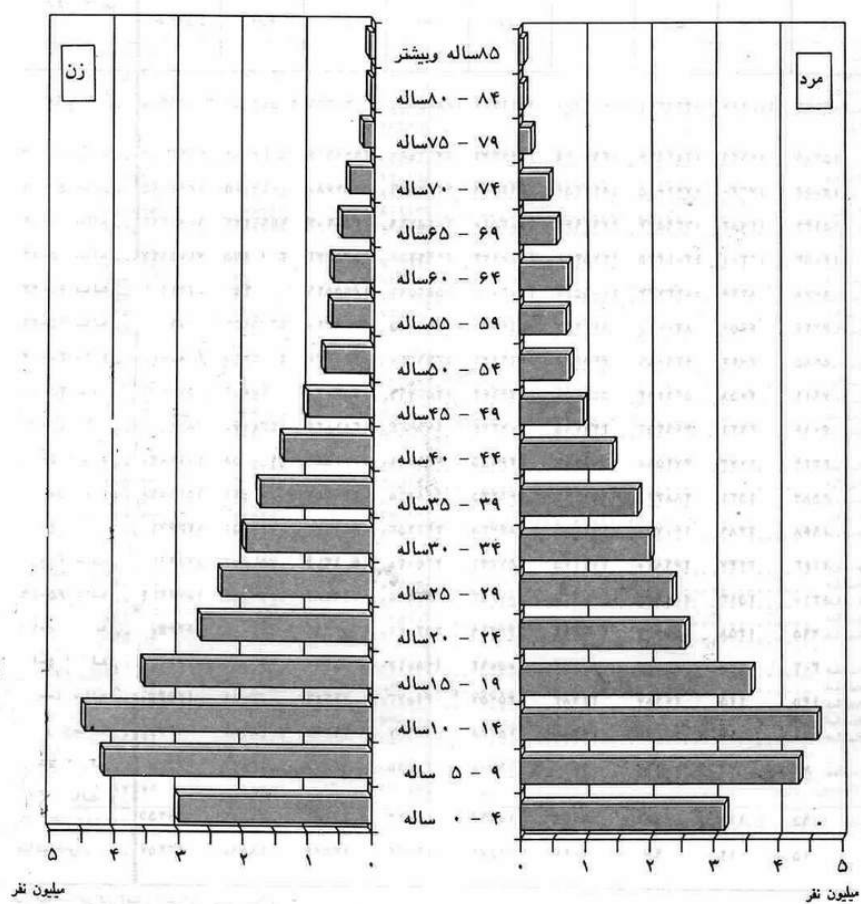
سالهای پایانی دهه هشتاد نخستین زمینه‌های مادی پایان عصر مردسالاری در ایران خودنمایی خواهد کرد و این روند با قدرت بیشتری در دهه نود تمامی ارزشها و اخلاقیات سنتی مردسالاری در جامعه ایرانی را متزلزل خواهد کرد. برای اثبات این مدعا نیازی به هیچ‌گونه تئوری‌بافیهای عجیب و غریب و ادبیات تخیلی نیست، بلکه با یک حساب دقیق و استدلال ریاضی و از روی آمارهای رسمی جمعیتی کشور می‌توان آنرا را طرح و ثابت نمود. بهتر است پیش از طرح مساله اطلاعاتی از مسائل جمعیتی در اختیار خوانندگان گذاشته شود.

زمینه

مقدمتاً لازمست به هرم سنی جمعیت¹ و جدول توزیع آن بر حسب سال تولد اهالی کشور نظری بیافکنیم:

نمودار زیر هرم سنی جمعیت بر حسب سن و جنس را بر اساس آخرین آمارگیری سرتاسری در سال 1375 نشان می‌دهد. جدول شماره 1 نیز با دقت بیشتری کلیه متولدين سالهای اخیر را بر حسب جنس نشان می‌دهد.

۱-۲- هرم سنی جمعیت بر حسب جنس: آبان ۱۳۷۵



منبع: جدول ۲-۴

جدول شماره 1- جمعیت به تفکیک سال تولد و جنسیت در فاصله
(1350-1375)

سال تولد	مرد و زن	مرد	زن
1375	1 020 936	524 927	496 009
1374	1 101 725	567 386	534 339
1373	1 237 664	634 744	602 920
1372	1 342 773	688 340	654 433
1371	1 459 926	748 711	711 215
1370	1 590 699	813 850	776 849
1369	1 657 313	848 487	808 826
1368	1 725 106	880 283	844 823
1367	1 743 630	890 196	853 434
1366	1 765 097	891 349	873 748
1365	1 878 591	954 425	924 166
1364	1 878 059	955 677	922 382
1363	1 886 133	961 001	925 132
1362	1 762 349	897 615	864 734
1361	1 675 544	853 755	821 789
1360	1 667 703	850 705	816 998
1359	1 545 991	786 762	759 229
1358	1 415 438	717 211	698 227
1357	1 322 808	661 959	660 849
1356	1 163 607	563 238	600 369
1355	1 139 684	542 816	596 868
1354	1 062 305	520 176	542 129
1353	1 029 104	508 199	520 905
1352	1 019 034	508 027	511 007
1351	971 855	487 235	484 620
1350	1 065 228	535 760	529 468

ماخذ: جدول 2-3- سالنامه آماری کشور در سال 1375

با اندکی تعمق مشاهده می‌شود که رشد جمعیت ایران تا آستانه انقلاب سیر نسبتاً متعادلی داشته است. اما در سالهای 57 لغایت 66 که عمدتاً دوران اوایل انقلاب و جنگ ایران و عراق است، تعداد موالید در کشور به نحو چشمگیری افزایش یافته و در سالهای بعد از جنگ که دولت به اتخاذ سیاستهایی برای کنترل موالید روی آورده، مجدداً رشد جمعیت تقلیل یافته است. طبعاً این اختلال در رفتار جامعه که بعد از انقلاب و جنگ پیش آمد، عواقب بسیار وخیمی در سالهای آتی بر روی مسائلی چون: آموزش، اشتغال و ازدواج و... داشته و خواهد داشت. برای بررسی ابعاد معضل ازدواج بهتر است به جدول شماره 2 توجه کرد، در این جدول جمعیت زنان و مردان کشور طی سالهای 1345 تا 1375 نشان داده شده است.

جدول شماره 2 بررسی وضعیت تعادل جمعیت زنان و مردان جامعه شهری و متوسط سنی در
اولین ازدواج طی سالهای 1345-1375

سال	متوسط سن ازدواج برای مردان	متوسط سن ازدواج برای زنان	متوسط اختلاف سن زن با شوهر	تعداد مردان رسیده به سن ازدواج	تعداد زنان رسیده به سن ازدواج	تعداد زنانی که هرگز شانس برای ازدواج نداشته اند	درصد
1375	26	22	4	483 431	520 905	37 474	7%
1365	24	20	4	385 168	446 371	61 203	14%
1355	25	20	5	254 403	319 509	65 106	20%
1345	26	19	7	137 731	156 824	19 093	12%

ماخذ: جداول 2-3 و 2-27 سالنامه آماری کشور سال 1375

بطوریکه ملاحظه می‌شود، در سال 1345 متوسط سن ازدواج برای مردان 26 و برای زنان 19 سال بوده است، و این به منزله اختلاف سنی متوسط هفت سال مابین زن و شوهر در چهل سال پیش است، این نسبت در سالهای اخیر در جامعه شهری به حدود چهار سال (و کمتر) تقلیل یافته است، یعنی در حالیکه سن مرد در اولین ازدواج همان 26 سال است، معهذاً سن زن از 19 سال به 22 سال افزایش یافته، این پدیده نشانگر آنست که اغلب دختران ترجیح می‌دهند به تحصیلات خود در مرحله دانشگاهی نیز ادامه دهند.

طبعاً بالا بودن سن مرد به عنوان رئیس خانواده در ازدواج دلایل بسیاری دارد از جمله:

1- لزوم بالاتر بودن سطح تحصیلات مرد نسبت به تحصیلات همسرش با توجه به اهمیت اشتغال برای مردان به عنوان نان‌آور خانواده

2- لزوم سابقه کاری و اشتغال قبل از ازدواج برای مردان جهت تثبیت پایه‌های شغلی و تأمین مبلغی پس‌انداز برای شروع زندگی مشترک

3- لزوم تأمین آمریت و اوتوریت مرد در مقابل همسرش (که با بزرگ بودن سن مرد، راحت‌تر حاصل می‌شود).

ناگفته پیداست که پارامترهای ذکر شده همگی منتج از حاکمیت ارزشهای مردسالاری در جامعه ماست. اگر فی‌المثل فرض کنیم که در طول پانزده سال آینده فرهنگ مردسالاری در شهرهای ما همچنان به مقاومت خود ادامه دهد و مردها همچنان بخواهند با همسری کم سن و سالتر (چهار سال کوچکتر از خود) ازدواج کنند در این صورت تمام نگرانیها و بحرانهای روحی و فشارهایی که دختران ایرانی در سالهای پیش متحمل میشدند، به همان شدت در دهه نود گریبانگیر مردان جامعه خواهد شد.

جدول شماره 3 (جدول صفحه بعد) نشانگر این است که در هر سال چه تعداد از دختران و پسران ایرانی امکان ازدواج دارند. با نگاهی به این جدول متوجه خواهیم شد. مثلاً: 31% از دختران متولد 1360 (که در سال 1382، بیست و دو ساله بوده و به مرز متوسط سنی برای ازدواج رسیده‌اند)، هیچ شانس برای ازدواج ندارند. چون تعداد مردان 26 ساله در این سال 563 هزار و دختران 22 ساله، 817 هزار نفرند در نتیجه 254 هزار دختر بدون شوهر می‌ماند. و بدین ترتیب جامعه بخش عظیمی از دختران خود را فدای سیاستهای غلط خود در کنترل موالید کرده است.

در چنین حالتی قدرت انتخاب شوهر از دختران سلب میشود در صورت رد اولین پیشنهاد، شاید دیگر فرصتی برای ازدواج نداشته باشند. پس از ازدواج نیز باز با توجه به فراوانی آمار زنان مجرد، شوهر قادر

ناگفته پیداست که وجود يك چنین معضل اجتماعي بطور مستقيم با پايين آمدن ارزش زنان، آماده شدن شرایط برای شیوع فحشاء و فساد، موجه شدن چند همسري (رسمي یا غیررسمي) و توجیه‌پذيري نظام و ارزشهاي مردسالارانه در جامعه خواهد شد.

جدول شماره 3- بررسی و پیش بینی تعادل جمعیت زنان و مردان در مرحله ازدواج							
سال	تعداد مردان 26 ساله (نفر)	تعداد زنان 22 ساله (نفر)	تعداد زنانی که هرگز شانس برای ازدواج ندارند	درصد زنانی که هرگز شانس برای ازدواج ندارند	تعداد مردانی که هرگز شانس برای ازدواج ندارند	درصد مردانی که هرگز شانس برای ازدواج ندارند	
1399	634 744	496 009	--	--	138 735-	-28%	دوران کم زنی
1398	688 340	534 339	--	--	154 001-	-29%	
1397	748 711	602 920	--	--	145 791-	-24%	
1396	813 850	654 433	--	--	159 417-	-24%	
1395	848 487	711 215	--	--	137 272-	-19%	
1394	880 283	776 849	--	--	103 434-	-13%	
1393	890 196	808 826	--	--	81 370-	-10%	
1392	891 349	844 823	--	--	46 526-	-6%	
1391	954 425	853 434	--	--	100 991-	-12%	
1390	955 677	873 748	--	--	81 929-	-9%	
1389	961 001	924 166	--	--	36 835-	-4%	
1388	897 615	922 382	24 767	3%	--	--	
1387	853 755	925 132	71 377	8%	--	--	دوران کم مردی
1386	850 705	864 734	14 029	2%	--	--	
1385	786 762	864 734	77 972	9%	--	--	
1384	717 211	864 734	147 523	17%	--	--	
1383	661 959	821 789	159 830	19%	--	--	

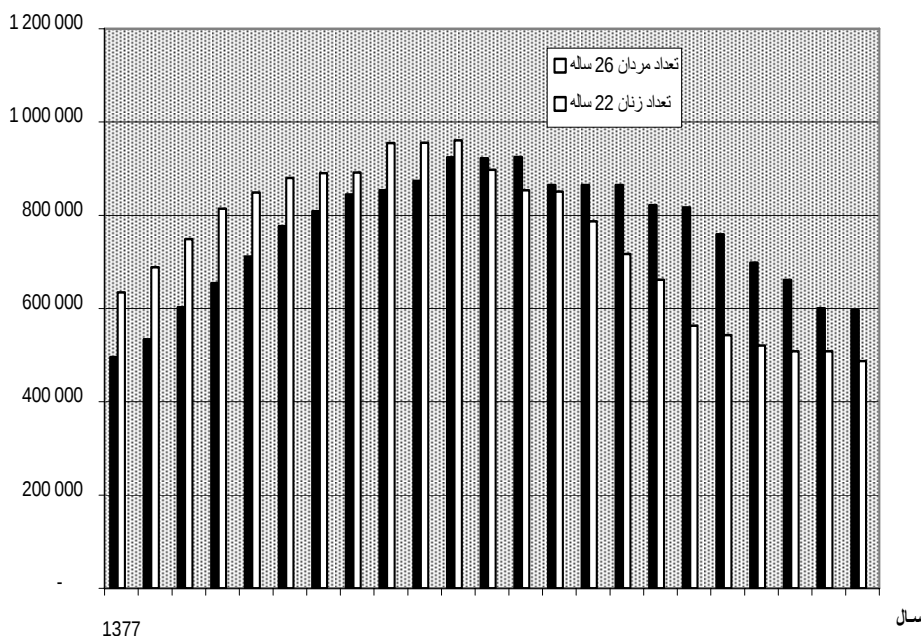
	--	--	31%	253 760	816 998	563 238	1382
	--	--	29%	216 413	759 229	542 816	1381
	--	--	26%	178 051	698 227	520 176	1380
	--	--	23%	152 650	660 849	508 199	1379
	--	--	15%	92 342	600 369	508 027	1378
	--	--	18%	109 633	596 868	487 235	1377

توضیحات: این جدول با فرض تداوم 4 سال اختلاف سنی میان زن و شوهر تنظیم گردیده است،

طرح مسئله

حال پس از این مقدمه نسبتاً مفصل بهتر است نگاهی به وضعیت زناشویی در سالهای بعد داشته باشیم. چنانچه در جدول صفحه قبل (جدول شماره 3) ملاحظه می‌شود در دهه بعد یعنی از ابتدای دهه نود صورت مسئله کاملاً وارونه خواهد شد و صفحه روزگار به ضرر مردان و به نفع زنان ورق خواهد خورد. در این سالها به علت اعمال سیاست‌های کنترل مولید و وارونگی هرم سنی تعداد مردان 26 ساله بسیار بیشتر از دختران 22 ساله است، بطوریکه مثلاً در سال 1398 در مقابل 688 هزار مرد آماده ازدواج، تنها 534 هزار دختر وجود دارد که طبعاً 154 هزار مرد هرگز شانس برای ازدواج نخواهد داشت. لذا در این سالها نظام مردسالاری شدیداً متزلزل خواهد شد و اگر تغییرات اساسی در الگوهای رفتار اجتماعی در رابطه با سن ازدواج به عمل نیاید، جامعه مجبور است، متحمل بحرانهای روحی و روانی هزاران هزار مرد بی‌همسر گردد که بالقوه منشأ جرائم بسیاری می‌توانند باشند. نمودار زیر نیز بیان تصویری جدول شماره 3 است:

نمودار 2- عدم توازن تعداد زنان و مردانی که به سن ازدواج رسیده اند



در این نمودار میله‌های سیاه نشانگر تعداد مردانی است که در هر سال به سن متوسط ازدواج می‌رسند و میله‌های سفیدرنگ نیز تعداد زنان نظیر آنهاست. به طوریکه ملاحظه می‌شود در نیمه چپ نمودار که مربوط به سالهای 1377 لغایت 1388 است میله‌های سفید (تعداد زنان) بالاتر از میله‌های سیاه (تعداد مردان) هستند. یعنی در دهه حاضر تعداد قابل توجهی از زنان هیچ شانس برای ازدواج ندارند. (اختلاف دو راس میله‌های سفید و سیاه نیز تعداد زنانی را نشان می‌دهد که هرگز نمی‌توانند ازدواج کنند). نیمه راست نمودار نیز مربوط به سالهای 1389 لغایت 1399 است. چنانچه ملاحظه می‌شود رؤس میله‌های سفید پایین‌تر از میله‌های سیاه است و لذا تعداد کثیری از مردانی که در این دوره به سن ازدواج می‌رسند هرگز قادر نخواهند بود، همسری برای خود بیابند.

راه حل

اگر بخواهیم راه حلی برای این معضل بیابیم به نحوی که هم مردان و هم زنان هر دو بتوانند از حداکثر شانس خود برای ازدواج بهره‌مند شود، این است که مردان با زنانی همسن (و احیاناً تا یکسال بزرگتر از خود)، ازدواج کنند. یعنی مثلاً یک مرد 26 ساله با زنی 26 یا 27 ساله ازدواج کند. در غیر این صورت بیش از یک چهارم مردان جامعه بی‌همسر خواهند ماند. باعث بی‌ارج و قرب شدن مرد در جامعه خواهد بود و در صورت ازدواج با دختران بزرگتر از خود نیز (که به لحاظ اقتصادی معمولاً با داشتن استقلال مالی کمابیش بی‌نیاز از شوهران خود خواهند بود)، هیچگاه نخواهد توانست به راحتی آمریت و اتوریته خود را بر زن تحمیل کند.

اما پایان عصر مردسالاری در دهه نود تنها به دلیل پدیده وارونگی در هرم جمعیتی نیست، چنانچه می‌دانیم زنان در سالهای اخیر به نحو فزاینده‌ای به سمت آموزش عالی روي آورده‌اند، به نحوی که شمار دانشجویان

از سویی نیز شاغلین سنین بالا که اکثریت مرد هستند، به تدریج بازنشسته شده و میدان را به نفع زنان ترك خواهند كرد. لذا محیط‌های کاری در ایران به شدت زنانه خواهد شد و شرایطی پیش خواهد آمد که سهم زنان در مشاغل مختلف نسبت به دوره‌های قبلی چندین برابر افزایش خواهد یافت و به حدی هم‌تراز با مردان خواهد رسید (این خود نیز موضوع تحقیقی جداگانه است که امیدوارم در فرصتهای بعدی انجام دهم). لذا با توجه به واقعیات گریزناپذیر فوق، در دهه نود زمینه‌های مادی پایان عصر مردسالاری در جامعه ایران فراهم خواهد شد، ناگفته پیداست که البته این به معنی پایان کار نیست و بایستی از هم اکنون روی زمینه‌های معنوی و فرهنگی آن کار کرد و افکار عمومی را برای ورود به دوران جدید آماده نمود. این مهم در درجه اول بر دوش جنبش زنان، و سپس بر دوش فعالین سایر حرکت‌های اجتماعی و بخصوص فعالین حرکت ملی به مثابه يك حرکت عدالت‌جویانه و آزادیخواهانه است.

* کارشناس مهندسی عمران

۱- هرم سنی: آنچه به عنوان هرم سنی در علم جمعیت‌شناسی مطرح است عبارتست از نموداری که توزیع جمعیت منطقه را بر حسب گروه‌های سنی و جنسیت آنها مشخص می‌کند به نحوی که گروه‌های سنی کم‌سال در پایین نمودار و گروه‌های میانسال و بزرگسال در وسط و بالای نمودار قرار می‌گیرند، هر گروه سنی نیز به دو دسته زن و مرد تقسیم شده، در محور افقی سمت چپ جمعیت زنان و در سمت راست جمعیت مردان نشان داده شده می‌شود. قابل ذکر است که در کشورهای پیشرفته با توجه به اینکه رشد جمعیت بسیار محدود و نزدیک به صفر است، نمودار هرم سنی حالت کشیده‌ای دارد، و در کشورهای عقب مانده بدلیل زاد و ولد بی‌رویه، قاعده هرم پهن است اما در هرم سنی جامعه ایران پدیده عجیبی وجود دارد که کمتر شباهتی با هرم سنی جوامع دیگر دارد و آن اینکه در طول دهه اول پس از انقلاب اسلامی، به علت عدم کنترل زاد و ولد قاعده هرم به نحو بی‌سابقه‌ای پهن شده و سپس با توجه به سیاست‌های انقباضی دولت، پدیده وارونگی در هرم سنی پیش آمده و تعداد متولدین سال‌های پس از جنگ مرتباً کاهش یافته است.

۲- البته در جامعه روستایی و عشایری ایران این اختلاف سنی تا حد سه سال پائین آمده و علت آن نیز این است که يك مرد روستایی در مقایسه با يك مرد شهری برای شروع زندگی مشترك، کمتر نیازی به اخذ تحصیلات و تخصص و پس‌انداز اولیه دارد و لذا زودتر ازدواج می‌کند. معه‌ذا در این تحلیل ملاک من جامعه شهری بوده، چرا که اولاً نقش روستاها و عشایر در جامعه ایران رفته رفته کمتر می‌شود، در ثانی حل مسئله زن، با انقلابی در باورها و اعتقادات و تغییری در عادات و رفتارهای اجتماعی همراه خواهد بود که این نیز بستری از مناسبات جدید با گرایشی به دموکراسی می‌طلبد، که محیط‌های سنتی روستایی و عشایری فاقد چنین پتانسیلی هستند و لذا مرکز اصلی حل مسئله زن، جامعه شهری ایران و بخصوص کلانشهرها خواهد بود.